

# فرنگ نامه

ابن کثیر را با نمونه جنت

صیدکما زرد خون جنت  
ابن کثیر است در خون جنت

## آداب عزاداری

از نظر قرآن، عزاداری ریشه‌هایی دارد، اول روضه خوان خود خداست، سوره ای در قرآن است به نام سوره بروج، که می‌فرماید: مرگ و عذاب دائمی بر اصحاب اخذود، که گودالی کردند و مومنین را انداختند در آن و سوزاندند و به تماشای آن پرداختند. قرآن می‌گوید اینها تنها به جرم مومن بودن کشته شدند، و قرآن روضه مظلومیت این کشته شده‌ها را می‌خواند پس اولین روضه خوان خود قرآن است.

ما باید عاشورا را زنده گرامی بداریم، به چه دلیل قرآنی؟ به دلیل اینکه خداوند به پیامبر می‌فرماید: «وَإِذْ كُرِّفِي الْكِتَابِ إِذْ آهَيْمَ بِهِ كَأَنِّ صِدْقًا نَبِيًّا»، یعنی ابراهیم فدکاری کرد و تو ای پیامبر مامور هستی یاد او را زنده نگه داری و یا در جای دیگر می‌فرماید: «وَإِذْ كُرِّفِي الْكِتَابِ مَرِيَمَ»، ای پیامبر تو ماموری که نام مریم و سختی‌هایی که او چشید را بیان کنی و زنده نگه داری.

پس تجلیل از بزرگان و روضه خوانی برای آنها در قرآن به این شکل، بسیار بیان شده است.



## مسلم ابن عقیل اولین شهید کاروان عاشورایی

امام حسین (ع)، در مقابل دعوتهای مکرر مردم کوفه برای ارزیابی دقیق اوضاع کوفه و تشکل نیروهای انقلابی، «مسلم بن عقیل» را، که آگاهی سیاسی و درایت کافی و هم تقوا و دیانت بالایی داشت را انتخاب کردند تا گزارشی دقیق از وضعیت شهر و مردم بگیرد. مسلم در بدو ورود به کوفه با استقبال کوفیان روبرو شد، اما وقتی خبر به یزید رسید، عبیدالله بن زیاد را با اختیارات نامحدود جهت سرکوب آتش انقلابیان به کوفه فرستاد. مسلم مظلومانه، مخفی شد ولی با حيله ی عبیدالله جایگاه او کشف و هانی از بارانش زندانی شد. وی آن روز شجاعانه مبارزه کرد. با تهدیدهای عبید کار به جایی رسید که شب هنگام، مسلم بن عقیل در مسجد، نماز مغرب را فقط با حضور سی نفر اقامه کرد. از مسجد که بیرون آمد، حتی یک نفر هم همراهش نبود که او را به جایی راهنمایی کند. مسلم توسط زنی به نام «طوعه» پناه داده شد ولی پسرش به طمع جایزه وی جایگاه او را به ماموران گفت و فردای آن روز، بعد از مبارزه ای مردانه، مسلم اولین شهید کربلایی شد و او را به بالای دار الاماره بردند و از بالای دار الاماره به پایین انداختند.

حضرت شهید شده است. لذا پریشان و غبار آلود به مجاورت آن قبر مطهر مامور شدند، تا حضرت قائم (ع) ظهور کند و از باران او باشند و شعارشان «یا لثارات الحسین» است.

ای پسر شیب، اگر دوست داری که با ما در درجات عالی بهشت باشی محزون باش برای حزن ما و شاد باش در شادی ما؛ و بر تو باد به ولایت ما که اگر کسی سنگی را دوست داشته باشد خداوند متعال او را با همان سنگ محشور می‌کند. امام همچنان که بر روی اسب بود، اندک خوابی او را فرا گرفت و پس از این که بیدار شد، چند بار گفت: «انالله و انا الیه راجعون و الحمد لله رب العالمین»

فرزندش علی اکبر (ع) پیش آمد و گفت: ای پدر، چرا حمد خدا به جا آوردی و «انا لله و انا الیه راجعون» گفتی؟ فرمود: پسرم لحظه‌ای به خواب رفتم و در خواب، اسب سواری را دیدم که می‌گفت «این گروه می‌روند و مرگ نیز به سوی آنها می‌رود»، دانستم که او همان جان ماست که خبر مرگ ما را می‌دهد. علی اکبر (ع) گفت: پدر جان! خداوند برای ما بدی پیش نیآورد، مگر ما بر حق نیستیم؟

فرمود: چرا، سوگند به آن خدایی که بازگشت بندگان به سوی اوست، ما بر حق هستیم.

علی اکبر (ع) گفت: پس باکی نداریم از این که بر حق بمیریم. امام حسین (ع) به او فرمود: خدایت بهترین پاداشی که فرزند از پدر خود می‌برد به تو عنایت کند.

در این روز امام حسین (ع) به قصر مقاتل نزول اجلال فرمودند. مشهور است که در این منزل امام حسین (ع) با عبیدالله بن حر جعفی ملاقات نمودند و دعوت به یاری نمودند، ولی او اجابت نکرد و بعداً پشیمان شد و در ادامه این روز حضرت به نینوا رسیدند.

در توقفگاه قصر بنی مقاتل، امام حسین علیه‌السلام به جوانان خاندان خود دستور داد آب بردارند و سپس در آخر شب به کاروان دستور حرکت داد.

کلام عاشورایی امام رضا (ع) در روز اول محرم ریان بن شیب خدمت امام رضا (ع) رسید. حضرت به او فرمود: ای پسر شیب، مردم عرب در زمان جاهلیت جنگ را در ایام محرم حرام می‌دانستند؛ ولی این امت احترام این ماه را از بین بردند و حرمت پیامبر (ص) را رعایت نکردند. در این ماه خون ما را حلال دانستند و هتک حرمت ما کردند و فرزندان و زنان ما را اسیر نمودند و سرآبرده ما را آتش زدند و اموال ما را غارت کردند و رعایت احترام رسول خدا (ص) را در باره ما ننمودند.

ای پسر شیب، اگر خواستی بر چیزی گریه کنی بر حسین بن علی (ع) گریه کن، چه اینکه آن حضرت را کشتند و با آن حضرت ۱۸ نفر از اهل بیت او کشته شدند که روی زمین شبیه و نظیری نداشتند. آسمان‌های هفتگانه و زمین‌ها در شهادت آن حضرت گریستند. چهار هزار ملک روز عاشورا برای نصرت آن حضرت آمده بودند و دیدند

## آفات عزاداری

آفت مهمی که آثار مهم و سازنده یک عمل خوب را از بین می‌برد، تبدیل شدن آن عمل به یک عادت است. وقتی مجربان با شرایط خاص یک عمل و فلسفه آن خوب آشنا نباشند، ناتوان و عاجز خواهند بود و این ناتوانی و عجز موجب می‌شود که آن عمل بدون توجه به بایدها و نبایدها و ویژه خود انجام گیرد و صرفاً به یک رسم، عادت و سنت کم محتوا یا بی محتوا و یا خدای ناکرده مضر تبدیل شود.

امام علی (ع) یکی از مهمترین آفتهای یک کار را که در اثر جهالت انجام می‌شود، غلبه عادت در انجام کار می‌دانند. عزاداری وقتی برای شرکت کنندگان تبدیل به یک عادت شود دیگر هیچ کس کاری ندارد که کیفیت و هدف عزاداری چگونه باید باشد و چرا اهل بیت (ع) امر به برابری عزاداری کرده‌اند و عزاداری چه خواص و آثار بی‌باید ایجاد کند. این حالت موجب می‌شود تا عزاداری به جای این که حرکت آفرین، تکامل بخش و رشد دهنده باشد، غفلت زا، کند کننده و بازدارنده خواهد بود و به جای این که وسیله باشد به هدف تبدیل می‌شود.

بنابراین در چنین نگرشی عزاداری یک ثواب و عبادت و یک هدف مهم ارزشی ارزیابی می‌شود هر چند توأم با انواع دروغ‌ها، تحریف‌ها، گناهان و اختلافات بوده، و به نماز و یا سایر واجبات لطمه وارد سازد. همین که صورت عزاداری برقرار باشد کافی است. چنانچه پیامبر اعظم (ص) فرمودند: «هر کس که نمازش او را از کار زشت و ناپسند باز ندارد، جز بر دوری او از خدا افزوده نشود».

همچنین امام صادق (ع) می‌فرمایند: کسی که بدون بصیرت، شناخت و آگاهی عملی را انجام دهد، به هر میزان سرعت عمل او زیاد شود به همان میزان از هدف دور می‌شود.

از غمگده ی عشق مرا جرعه ی نوشم بگرفت

یاد عباس مرا شط فراتم بگرفت



ما غم آمد و دل های همه شور محرم بگرفت

از ناله ی آن سوز لبان تشنه ی آب